

# فصل: «اجزاء»

مرحوم آخوند مقصد اول کتابش را در «اوامر» قرار داده است. فصل اول این مقصد، در ماده امر، فصل دوم این مقصد در هیأت امر و فصل سوم در بحث اجزاء است. برای بحث مقدماتی را مطرح شده است: ➤ مقدمه اول: تحریر محل نزاع حضرت امام می نویسد:

«المقدمة الأولى في تحریر محل النزاع اختلف كلماتهم في تحریر محل البحث: فقد يعبر: بأن الأمر بالشئ هل يقتضى الإجزاء إذا أتى به على وجه أم لا؟ و قد يعبر: بأن الإتيان بالمأمور به على وجه هل يقتضى الإجزاء أم لا؟ و لعل الفرق بينهما: أن النزاع في الأوّل في دلالة الأمر، فصار المبحث من مباحث الألفاظ و الدلالات، و في الثاني في أن الإتيان علة للإجزاء فصار عقلياً، كذا قيل.»<sup>۱</sup>

توضیح:

۱. در تحریر محل بحث، تعبیرهای مختلفی وجود دارد؛
۲. قوانین و فصول، عنوان بحث را به گونه ای مطرح کرده اند،
۳. و مرحوم شیخ انصاری به گونه ای دوم طرح بحث کرده است.
۴. در تعبیر اول سخن درباره آن است که آیا «امر» دلالت دارد یا نه و لذا بحث از زمره مباحث الفاظ است.
۵. ولی در تعبیر دوم سخن درباره علیت اتیان نسبت به اجزاء است و لذا بحث عقلی است.
۶. این فرق را مرحوم اصفهانی گذاشته است.

ایشان سپس می نویسد:

«لكن كون النزاع في دلالة الأمر بعيد عن الصواب، فإنّ الدلالة المتوهمة: إن كانت وضعية، فلا أظنّ بأحد يتوهم دلالة هيئة الأمر أو مادّته على الإجراء إذا أتى المكلف بالمأمور به على وجهه، بحيث يكون جميع

۱. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج ۱؛ ص ۲۹۷



هذه المداليل من دلالة الأمر هيئة أو مادة. [و إن كانت هذه الدلالة التزامية] - بأن يدلّ على أنّ المأمور به مشتمل على غرض للأمر، و لا محالة أنّ ذلك الغرض يتحقّق في الخارج بتحقيق المأمور به، و حينئذ يستقط الأمر لحصول الغاية الداعية إليه - [فكذا لا يتوهمها أحد]، فإنّ عد تلك القضايا العقلية المتكثّرة من دلالة الأمر التزاماً ممّا لا مجال للالتزام به، مع ظهور فساد، فحينئذ لا يكون في دلالة الدليل. «<sup>1</sup>

توضيح:

1. اینکه بحث در «دلالت امر» باشد غلط است چراکه:
2. آن دلالتی که توهم شده است:
3. اگر مراد دلالت وضعی است: یک نفر هم نگفته که وضعاً هیأت یا ماده امر دلالت بر اجزاء دارد.
4. و اگر مراد دلالت التزامی است (به اینکه امر دلالت دارد بر اینکه امر غرضی از امر دارد و لذا وقتی مأمور به اتیان شد غرض هم تأمین شده است و امر هم ساقط می شود چون که هدف از امر کردن تأمین شده است.) این راه هم کسی نگفته:
5. چراکه نمی توان ملتزم شد که چنین اموری از لوازم «امر» باشد بلکه قطعاً چنین نیست.

1. مناهج الوصول إلى علم الأصول؛ ج 1؛ ص 297

